سخن و آپولو

(دو نشریهٔ ادبی جریان‌ساز در ایران و مصر)

حبیب‌الله عباسی

دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

این نوشتار، با تکیه بر این نکته که رویدادهای فرهنگی صد سال اخیر ایران و جهان عرب سخت شبیه هم است، دو نشریهٔ جریان‌ساز ایرانی و مصری- *سخن و آپولو*- را مورد بررسی قرار می‌دهد. هنوز صدای این دو نشریه تأثیرگذار را که حلقهٔ پیوند ادبیات سنتی و مدرن به شمار می‌روند، می‌توان از دیوارهٔ زمان شنید. در این مقاله ابتدا به اجمال این دو نشریه که به همت خانلری و ابوشادی منتشر می‌شدند، معرفی شده است. در پایان به برخی قدرمشترک‌های این دو نشریه اشاره شده است؛ قدر مشترک‌هایی مانند وارد کردن حال و هوایی جدید در حوزهٔ شعر، گسترش شعر تمثیلی و نمایشی، وضع مبانی و معیارهای جمال‌شناسی جدید، رویکرد اعتدالی به ادبیات اروپا به‌ویژه شعر، ترجمه و نقد؛ چاپ و انتشار آثار شعری و تحقیقاتی مدرن، معرفی و شناسایی بسیاری از چهره‌های شاخص ادبیات عرب و ایران برای اولین بار، به دور بودن هر دو نشریه از گرایش‌های سیاسی و حزبی و نظریه‌پردازی و جریان‌سازی هر دو نشریه در حوزهٔ شعر.

کلیدواژه‌ها: آپولو، سخن، ایران، عرب، ادبیات جدید، شعر و. . .

تاریخ دریافت: ۸۵/۷/۱۴ **تاریخ پذیرش:** ۸۵/۱۲/۱۶

مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۴، شماره ۵۴-۵۵، ۱۳۸۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

۱) مقدمه: طرح مسئله

استاد شفیعی‌کدکنی در مقدمهٔ چاپ جدید کتاب *شعر معاصر عرب* می‌نویسد: «آب در ظروف مرتبطه در یک سطح قرار می‌گیرد. آن‌چه در این صدساله در شعر عربی اتفاق افتاده است عیناً در شعر فارسی نیز روی داده است، با تفاوت‌های مختصری که برخاسته از شرایط متفاوت فرهنگ‌ها و ساختارهای حیاتِ این دو قوم است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۵). جریان تجدد یا مدرنیسمی که در میان دو قوم ایرانی و عربی، عملاً با جنبش‌های نهضت و مشروطه در مصر و کشورهای عربی و ایران آغاز شد، مصداق بارزی برای این حکمِ «آب در ظروف مرتبطه است». این جریان نوگرایی در ظروف و شرایطی تقریباً مشابه، افتان و خیزان تداوم یافت و عوامل متعددی در گسترش و تداوم آن مؤثر بودند. نقش برخی جمعیت‌ها و گروه‌های فرهنگی را در این میان نمی‌توان نادیده گرفت. این جمعیت‌ها با انتشار مجله در گسترش و ترویج جریان مدرنیسم در ایران و سرزمین‌های عربی، کوشیدند. از این رهگذر تأثیر شگرف و انکارناشدنی در اتفاق‌های جهان عرب و کشور ایران داشتند، به‌ویژه در تکوین و شکل‌گیری جریان مدرنیسم ادبی اعم از خلاقه و آکادمیک آن و اثبات این امر که «آب در ظروف مرتبطه در یک سطح قرار می‌گیرد».

دو نشریه *سخن* و *آپولو* ـ که در بدو امر ارگان رسمی دو جمعیت نوین «جماعت آپولو» و «جامعهٔ لیسانسیه‌های دانشسرای عالی» بودند ـ از میان دیگر نشریاتی که در آن روزگار منتشر می‌شد، تأثیرگذارتر بودند، چنان‌که هنوز می‌توان صدای تجدد اعتدالی آن‌ها را از دیوارهٔ زمان شنید و زیر لب این سرودهٔ ابوتمام، شاعر عرب را زمزمه کرد:

ثم انقضت تلک السنون و اهلها　　کانها و کانّهم احلام[۱]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

این دو نشریهٔ جریان‌سازِ معاصر نماینده واقعی جریان نوگرایی بودند که کشورهای اسلامی (ایران و مصر) در مواجهه با تمدن جدید در یک موقعیت تاریخی ـ فرهنگی مشابه به آن روی آوردند. این دو مجله ضمن آن که حلقه پیوند این کشورها با غرب بودند، با اقتدار تمام کنترل‌کننده جریان تجدد نیز هم. چنان‌که نه گرفتار تندروی‌های نوگرایان شدند و نه اسیر واپس‌گرایی‌های سنت‌گرایان.

این دو نشریهٔ فرهنگی، با وجود فاصلهٔ زمانی حدود دو دهه در شرایط اجتماعی سیاسی تقریباً مشترک، به کردار کشورهای غربی به آستانه مدرنیسم فردگرا وارد شدند.

در این‌جا بایسته می‌نماید که پیش از اشاره به قراین و اماراتی که نشان‌دهندهٔ نمایندگی این دو نشریه از جریان نوگرایی اعتدالی باشد به اجمال، *سخن* و *آپولو* را معرفی کنیم و آن‌گاه به آن دسته از وجوه مشترک میان آن‌ها اشاره کنیم که مبین جریان‌ساز بودن و نمایندگی آن‌ها از جریان اعتدالی تجدد است.

۲) نشریهٔ سخن

اهل سخن نه‌ای، ز سخن گر به هیچ روی
یادآوری و هیچ از او یاد ناوری
(مظاهرمصفا)[۲]

مجلّهٔ ادبی *سخن* که بعدها پایگاه علمی و ادبی سخنوران بسیاری شد و همچنین عامل ارتباطی روشنفکران و پایگاه اقتدار معنوی آنان، به همت استاد دکتر پرویزناتل خانلری[۳] تأسیس شد، استاد در این باره می‌گوید:

«اصل ایجاد سخن از آن‌جا شروع شد که جامعهٔ لیسانسیه‌های دانشسرای عالی مجمعی داشتند و آن‌جا تصمیم گرفتیم که مجله‌ای داشته باشیم، ارگان آن جمعیت. در آن‌جا اسم بنده به میان آمد و قرار شد که امتیازش را بگیرم، ولی من هنوز سنّم کم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

بود، چون [صاحبان امتیاز] می‌بایست ۳۰ سال داشته باشند، قرار گذاشتیم با آقای دکتر صفا که او امتیازش را بگیرد ولی من سردبیرش باشم تا سه چهار شماره به همین نحو درآمد، آقای دکتر صفا بیشتر مایل بود که تاریخ ادبیات خودش را تدارک بکند. . . بعد از چند شماره استعفا داد و بنده هم به سن بلوغ رسیده بودم و امتیاز را به نام خودم گرفتم، از جامعهٔ لیسانسیه‌ها هم بعد از پنج شش شماره ناچار شدم کنار بکشم، زیرا که خرج مجله به گردن بنده افتاده بود و از بودجهٔ جامعه لیسانسیه‌ها هم بوی خیر نمی‌آمد، ضمناً آن‌ها هم از من راضی نبودند و عقیده‌شان این بود که بولتنی داشته باشند که اخبار جامعه لیسانسیه‌ها در آن درج شود، به این جهت جدا شدیم، به این شرط که امتیاز را بنده داشته باشم و در عوض پول‌هایی که بنده بدهکار بودم از آن‌ها نگیرم، به این ترتیب غائله ختم شد، بنده هم درصدد آن برآمدم که مجلهٔ *سخن* را آن‌طور که میل دارم در بیاورم. . . » (خانلری، ۱۳۶۹: ۸).

دوره نخست مجلهٔ *سخن* با انتشار اولین شماره آن در خردادماه ۱۳۲۲ و با همکاری عده‌ای از جوانان با ذوق و نواندیش مانند هدایت، بزرگ علوی، شهید نورایی و. . . آغاز به کار کرد و پس از سه دوره به علت مسافرت تحقیقاتی استاد خانلری به کشور فرانسه متوقف شد. این نشریه از اول آذر ۱۳۳۱، مجدداً منتشر شد و انتشار آن در آغاز هر ماه تا سال ۱۳۵۷ بی‌وقفه، ادامه یافت. ره‌آورد این فعالیت مداوم استاد خانلری ۲۷ دوره *سخن* در سی‌هزار و یکصد صفحه بود که در تاریخ فرهنگ ما به صورت یک دایرةالمعارف باقی مانده است.

خانلری منشأ خدمات علمی و فرهنگی بسیاری در ایران شده است؛ اما بزرگ‌ترین خدمت خانلری را انتشار *مجله سخن* می‌دانند (بزرگ علوی، ۱۳۷۶: ۲۳). در تمام سال‌های انتشار این مجله اگرچه خانلری اولین سردبیر و ناخدای همیشگی این کشتی بود؛ اما افرادی فرهیخته و کارآمدی در ادوار مختلف آن عهده‌دار سمت سردبیری آن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

بودند. پس از او به ترتیب احمد بیرشک، احسان یارشاطر، ناصر پاکدامن، علیرضا حیدری، قاسم صنعوی، تورج فرازمند، حسن هنرمندی، ابوالحسن نجفی، محمود کیانوش، رضا سیدحسینی، ایرج افشار و هوشنگ طاهری سردبیری سخن را عهده‌دار بودند.

۲-۱) موضوعات سخن

این نشریه که در حکم مکتب نواندیشی و نوآوری در حوزه‌های ادبیات، هنر، موسیقی و مباحث جدّی فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رفت، نه با شیوه سنتی سازگار بود و نه تندروی و بی‌بندوباری بیگانه‌پرستان را برمی‌تافت، لذا راز خلاقیت و سرآمد شدن را در گرو یک دیالکتیک متعادل وابستگی به سنت و میراث نیاکان ـ که برای اثبات آینده و هویت ما ضروری است ـ و گریز از سنت می‌دانست. این نشریه در حوزه‌های مختلف ادبی و هنری و اجتماعی و فرهنگی، حوزه‌هایی مانند شعر، داستان، ترجمه آثار ادبی و هنری و فرهنگی جهان و تحقیقات و نقد ادبی فعالیت چشمگیری داشت. از همین رو هماهنگی *سخن* با دنیا و معنویات را راز موفقیت خانلری دانسته‌اند و از آن به عنوان دایرةالمعارفی یاد کرده‌اند که هر پژوهشگری را به کار آید (همان، ۲٤).

سخن به عنوان یک مجله ادبی و فرهنگی پیشرو و نوجو اعتبار و شهرت شایانی کسب کرده بود. ایرج افشار علت این اعتبار و اشتهار را به دو مناسبت می‌داند:

«یکی روی آوردن به نشر شعر و داستان و نمایشنامه‌های نو اروپایی و ملل دیگر بود که پیش از آن در مجله‌های فارسی مرسوم دیده نمی‌شد. پس نخست توانست دریچه‌ای بر دیوار حائل میان ایرانیان و ادبیات معاصر خارجی بگشاید و به تشنگان از زلال چشمه‌سار ادبی نو جرعه‌های گوارا بنوشاند. مناسبت دیگر چاپ کردن نوشته‌ها و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

سروده‌های گروهی نویسندهٔ تازه نفس بود که پیش از آن آثارشان چندان در نشریات فارسی دیده نمی‌شد. نوشته‌ها و سروده‌های آنان عطش تشنگان تازه‌خواهی و نوجویی را فرو می‌نشاند» (افشار، ۱۳۷۶: ۳۵).

این مجله علاوه بر نشر شعر و داستان و نمایشنامه‌های نو اروپایی و ملل دیگر جهان، نوشته‌ها و سروده‌های گروهی نویسندهٔ تازه نفس را نیز منتشر می‌ساخت. همچنین در کنار انتشار مقاله‌های ادبی، فلسفی و اجتماعی و مقاله‌هایی انتقادی به معرفی نقاشی مدرن، نقد کتاب و نشر اخبار فرهنگی جهان نیز می‌پرداخت. برخی از این نقدها و گفتارها در نوع خود بی‌سابقه بود. اغلب مطالبی که در این مجله وزین به چاپ می‌رسید، عمدتاً در موضوع‌های زیر بود:

۱. داستان‌های نویسندگان معاصر
۲. سروده‌های ابداعی شاعران معاصر
۳. مقالات فلسفی و اجتماعی
۴. معرفی نقاشی مدرن
۵. معرفی و نقد کتاب
۶. نشر اخبار فرهنگی جهان[۴]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

۳) مجله آپولو

أبـــولو مـرحباً بک یا أبولو
فأنک من عکاظ الشعر ظل
احمدشوقی[۵]

در نیمه نخست سده بیستم که حوادث شگرف و شگفتی در گوشـه و کنـار جهـان، به‌ویژه اروپا روی داد، در سرزمین‌های عربی نیز هم، به‌ویـژه کـشور مـصر، رویـدادهای بـسیاری در حـوزه‌هـای سیاسـی، اجتمـاعی و ادبـی بـه وقـوع پیوسـت. در همـین دوره انجمن‌ها و جمعیت‌های ادبی و هنری متعددی در حوزه ادبیات عرب شکل گرفـت، دو جمعیت صاحب‌نام و تأثیرگذار بر جریان ادبیات معاصرعرب، به‌ویـژه شـعر معاصـر، در همین کشور مصر به منصهٔ ظهور رسیدند، نخست «جماعت دیـوان» تحـت تـأثیر خلیـل مطـران و بـا همیـاری ابـراهیم عبـدالقادر المـازنی[۶]. ایـن جماعـت بـه کـردار «جمعیـت دانشکده»[۷] علیه سنت‌های شعر کلاسیک، به‌ویژه «عمودالشعر» عصیان کردند و دیگر به کردار سـنت‌گرایـان معتقـد نبودنـد کـه اسـلاف، بـر و بـوم سـخن را رفتـه‌انـد و «لـیس فی‌الامکان، ابدع مما کان». اگرچه «جماعت دیوان»، مفاهیم و مضامین جدیدی را وارد شعر کردند؛ اما در صورت و فرم بیرونی، هم‌چنان از چهارچوب سنت تخطی نکردند.

در اوایل دهه سی، تحـت تـأثیر ادبیـات اروپـایی، جمعیـت شـعری پیـشروی بـه نـام «جماعت آپولو» در شهر قاهره شکل گرفت، در سپتامبر ۱۹۳۲ م. گروهی ادیب و شاعر و منتقد گرد هم فراز آمدند و اساس ایـن مکتـب ادبـی را بنیـان گذاشـتند و بـا الهـام از اساطیر یونان نام *آپولو* را برای آن اختیار کردند. خبر تأسیس آن، اول بار به وسیله شاعر رمانتیک مصر، دکتر احمد زکی ابوشـادی[۸] (۱۸۹۲-۱۹۵۵م)، مؤسـس اصـلی جمعیـت منتشر شد. این جمعیت که اعضای اولیهٔ آن عبارت بودند از احمد محرم، ابراهیم ناجی، علی محمود طه، کامل کیلانی، احمد ضیف، احمد الشایب، محمـود ابوالوفـاء و حـسن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

کامل‌الصیرفی و غیره، در نخستین جلسه، احمد شوقی را به عنوان رئیس جمعیت برگزید، هنوز یک ماه از این انتخاب نگذشته بود که مرگ او را درربود و خلیل مطران جایگزین او شد. دکتر ابوشادی در تمام مدت، دبیر این جمعیت بود.

این جمعیت از همان آغاز برای نشر سروده‌ها و آثار خود به انتشار مجله‌ای به نام *آپولو* اهتمام کرد. [۹]

در شمارهٔ نخست مجله (آوریل ۱۹۳۳)، محورهای فعالیت‌های جمعیت بدین شرح اعلام شد:

۱. اعتلای شعر عرب و جهت دادن به شاعران.

۲. حمایت از نهضت‌ها و جریان‌های هنری و ادبی در حوزهٔ شعر.

۳. ارتقای زندگی شاعران در سطوح مختلف مادی، ادبی و اجتماعی و دفاع از کرامت انسانی آنان.

ابوشادی در همین شماره «دبستان آپولو را دبستان تعاون، انصاف و اصلاح و نوآوری» وصف می‌کند (ابوشادی، ۱۹۳۳: ۱) و هدف اصلی آن را هدایت شاعران از ظلمت به نور و گسترش افق شعر عربی و گشودن قید و بندهای سنت به‌ویژه «عمودالشعر» از پای شاعران و آشنا کردن آن‌ها با ادبیات جهان و جریان‌های فکری جدید آن و پوشاندن لباس نوی بر قامت شعر و جستن معانی و مضامین تازه می‌داند. وجه غالب فعالیت‌های این نشریه، نوآوری و تجدد در حوزه شعر بود. نسل جوان آن، از همه در نوآوری و تجدد گستاخ‌تر بودند و بیشتر متأثر از وضعیت سیاسی و انقلاب ۱۹۱۹. این جمعیت می‌خواست هم وحدت رمانتیک شعر و هم وحدت موضوعی آن را محقق سازد (الکتانی، ۱۹۸۲: ۴۳۰ـ ۴۳۲). این نشریه تا سال ۱۹۳۵ م. به‌طور مرتب منتشر می‌شد. کوچیدن ابوشادی از قاهره به اسکندریه، در این سال باعث توقف آن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

شد. صدای این مجله و جمعیت آپولو، از صداهای ماندگاری است که آن را هنوز می‌توان از دیوارهٔ زمان شنید، نویسندگان و شاعران آن، اگرچه به عرصه‌های دیگر روی آوردند، اما هم‌چنان به اصول و مبادی آن جمعیت وفادار ماندند. هنوز ردپای این جمعیت و مجله را می‌توان در حوزه‌های مختلف ادبیات عرب مشاهده کرد.

دیری نپایید که این مجله شهره آفاق شد و بسیاری از شاعران صاحب‌نام کشورهای عربی مانند ابوالقاسم الشابی از تونس و ایلیا ابوماضی و الیاس ابوشبکه از لبنان و محمدمهدی جواهری از عراق به این جمعیت پیوستند.

از فعالیت‌های جنبی مجله، نشر دیوان‌های شاعران نوآوری مانند ابوشادی و ابراهیم ناجی و پژوهش‌های انتقادی مانند *روادالشعر فی مصر* مختار الوکیل و *أدب الطبیعه* از مصطفی عبداللطیف السحرتی بود. از همان بدو انتشار، این نشریه نشانه تیرهای انتقادی شدیدی قرارگرفت. این انتقادها بیشتر متوجه ناتوانی شاعران مجله در رعایت «عمودالشعر» و ترجمه و اخذ معانی از شعر اروپایی بود (الدسوقی، ۱۹۷۲: ۵۰۸). ابوشادی این انتقادهای تند را بی‌جواب نمی‌گذارد و هم‌چنان در نیل به اهداف مجله می‌کوشد و تا اندازه‌ای نیز توفیق می‌یابد. از جمله در گسترش شعر آزاد و ترویج شعر نمایشی و شعر داستانی و سمبلیک موفق می‌شود، هم‌چنین در گسترش آزادی خیال و جمال‌شناسی جدید و تکثر آبشخورهای شعری چه در حوزه لفظ و معنی و اهتمام به تلمیح و اشارات داستانی، تاریخی و اساطیری نیز هم.

۳) قدرمشترک‌های *سخن* و *آپولو*

بی‌شک این دو نشریه معتدل و جریان‌ساز ایران و مصر دارای چنان ممیزه‌ها و ویژگی‌های ممتازی بوده‌اند که هم باعث سرآمدی و تشخص آن‌ها در میان نشریات ادبی هم‌عهد خود و بعد از آن شده است و هم باعث جریان‌ساز شدن و تأثیرگذاری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

آن‌ها بر مجلات و جریان‌های دیگر و بعدی. با آن که از عمر آخرین شمارهٔ هر یک از این دو مجله، مدت زیادی نمی‌گذرد، این نشریه‌ها از منابع و مآخذ معتبر به شمار می‌روند و برای محققان حکم دایرةالمعارف دارند.

احصای تمام ممیزه‌های *سخن* و *آپولو*، از حوصله این مقال بیرون است. البته در ضمن کتاب‌ها و مقالاتی که در این باره نگاشته شده، به برخی از آن‌ها اشاره شده است. لذا در این جا ممیزاتی را برمی‌شماریم که قدر مشترک‌های هر دو نشریه‌اند و باعث ماندگاری آن‌ها.

۱ـ هر دو نشریه در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشابهی به منصه ظهور رسیدند، هر دو به فاصله زمانی نزدیکی بعد از عصر نهضت و مشروطه در تهران و قاهره منتشر می‌شوند.

۲ـ هر دو مجله ارگان رسمی جمعیت بودند، یکی «جامعهٔ لیسانسیه‌های دانشسرای عالی» و دیگر «جماعت آپولو». جالب توجه آن‌که هر دو جمعیت از بطن جمعیت قبل از خود درآمده و در حقیقت جایگزین آن شده بودند، «جامعه لیسانسیه‌ها» جایگزین «جمعیت دانشکده» به رهبری ملک‌الشعرای بهار بود و دیگری جایگزین «جماعت دیوان» به رهبری عباس محمودالعقاد.

۳ـ هر دو نشریه ضمن وابستگی به سنت، صورت معتدلی از سنت‌گریزی داشتند. این مجلات برخلاف نشریات آوانگارد و رادیکال، ضمن حفظ اعتدال، شعر و ادب هر دو قوم را به سوی دنیای مدرن رهنمون شدند. هر دو مجله، چشم پوشیدن از میراث نیاکان را هم برای هویت ملی و هم برای تحقق آینده ملت خویش زیان‌بخش می‌دانستند و از سوی دیگر تأثیرپذیری از نفحات تمدن جدید و جریان‌های انسانی و هنری جدید را ضروری می‌دانستند، از این رو بود که متهم به محافظه‌کاری شده بودند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

۴ـ رویکرد اعتدالی هر دو نشریه به ادبیات اروپا به‌ویژه شعر، ترجمه‌ها و نقدهای متعددی که در شماره‌های مختلف هر دو نشریه چاپ شده، گویای این واقعیت است.

۵ـ شباهت میان چهره‌های برجسته هر دو مجله یکی دیگر از قدر مشترک‌های *سخن* و *آپولو*ست. خانلری و ابوشادی هر دو مؤسس اصلی این نشریات و ناخدای آن‌ها به شمار می‌رفتند. اگر سماجت آنان نبود، هرگز این دو مجله منتشر نمی‌شد؛ چه به محض خروج هر یک از آنان از قاهره یا تهران، انتشار مجله هم متوقف می‌شود. هر دو شاعرانی بودند که تحت تأثیر استادان بنام سرزمین خود قرار داشتند، یکی متأثر از از خلیل مطران بود و دیگری از ملک‌الشعرای بهار. میان شاعران هر دو نشریه نیز شباهت‌هایی را می‌توان یافت، ازجمله میان برخی شاعران سرآمد مجله *آپولو* مانند ابوالقاسم الشابی، ایلیا ابوماضی، محمدمهدی جواهری، الیاس ابوشبکه و برخی شاعران سرآمد مجله *سخن* مانند فریدون توللی، نادر نادرپور، گلچین گیلانی، فریدون مشیری و....

۶ـ اگر بپذیریم که «تحولات شعر فارسی و عربی در این قرن تابعی است از متغیر ترجمه در این زبان‌ها»، بی‌شک سهم *سخن* و *آپولو* در این زمینه بسیار است، چه بسامد ترجمه در این نشریات چندان بود که برخی منتقدان این امر را از عیوب آن‌ها به شمار آورده‌اند.

۷ـ چاپ و انتشار آثار شعری و تحقیقاتی. هر دو نشریه ضمن انتشار مرتب ماهانه، برخی دفترهای شعر و آثار تحقیقاتی را هم منتشر می‌کردند.

۸ـ بسیاری از چهره‌های شاخص ادبیات عرب و ایران، اول بار توسط همین مجلات شناسایی شدند و اغلب آثار چهره‌های برجسته ادبیات معاصر ایران برای اول بار در مجله *سخن* منتشر شد از جمله، نادرپور، ابتهاج، اسلامی ندوشن، رسول پرویزی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

میرصادقی، زرین‌کوب و. . . در مجله *آپولو* نیز قضیه بر همین منوال بود، سروده‌های ابوالقاسم الشابی و الیاس ابوشبکه برای اول بار در این نشریه منتشر شد.

۹ـ معیارهای زیبایی‌شناسی و اصول نقد این نشریه به هم نزدیک است، بی‌شک ذوق و روحیه تجددگرایی که وجه غالب شعر و ادب این نشریات بود، بر این معیارها و اصول تأثیرگذار بود.

۱۰ـ اهتمام هر دو مجله در گسترش شعر تمثیلی و روایی و شعر نمایشی ستودنی است.

۱۱ـ به دور بودن هر دو نشریه از گرایش‌های سیاسی و حزبی. هم ابوشادی و هم خانلری تمام توش و توان خود را برای گسترش و اصلاح جریان‌های ادبی به کار می‌گرفتند.

۱۲ـ نظریه‌پردازی هر دو نشریه در حوزهٔ شعر چنان‌که برخی محققان مانند آدونیس اهمیت این نشریات را در امر نظریه‌پردازی و خلق فضای جدید، به مراتب بیشتر از خلق آثار شعری می‌دانند (آدونیس، ۱۹۸۶: ۱۱۹/۳).

۱۳ـ جریان‌ساز بودن، هر دو نشریه در حوزه شعر. آن‌ها موفق شدند حال و هوای تازه‌ای را وارد ساختار سنتی شعر فارسی و عربی کنند و ساختار و صورت جدیدی از شعر کشف کنند و شعری را متداول سازند که پلی باشد جهت مقبولیت شعرهای پیشرو و متجدد.

در پایان گفتنی است که ضمن احصای وجوه اشتراک دو این نشریهٔ جریان‌ساز، دو نکته را نباید از نظر دور داشت؛ نخست این‌که فعالیت نشریهٔ *آپولو* در حدود دو دهه پیشتر از *سخن* در تهران آغاز شد و این نشریه پایگاه اصلی جریان رمانتیسم در جهان عرب به شمار می‌رفت؛ در حالی که رمانتیسم همزمان با انتشار این نشریه، یعنی در دو دههٔ نخست حکومت رضاخان از رهگذر زبان‌های عربی و ترکی وارد ایران شده بود و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

تقریباً هم‌زمان با انتشار دوره‌های نخست مجلهٔ *سخن* این جریان فروکش کرده بود و جریان‌های ادبی و فکری جدید غرب مانند رئالیسم، ناتورئالیسم، سوررئالیسم و سمبولیسم توسط نویسندگان صاحب‌نام آن به جامعهٔ ادبی و دانشگاهی ما معرفی شد. دو دیگر گستردگی حوزه‌های فعالیت *سخن* و دیریازی مدت انتشار آن است که با *آپولو* قابل مقایسه نیست.

پی‌نوشت

۱. *دیوان ابوتمام*، ۲/ ۴۷

۲. ر. ک. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). *خانلری*. تهران: طرح نو. ۷۶-۸۰.

۳. در باره کارهای ادبی، فعالیت‌های ادبی ـ فرهنگی و اجتماعی و مشاغل و مناصب مختلف استاد خانلری در مدت حیات پربار ر. ک. **همانجا**، ۹۵-۳۴۷.

۴. برای تفصیل بیشتر در باره خانلری و مجله *سخن* ر. ک. *«قافله‌سالار سخن»*، مجموعهٔ مقالات درباره خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰ ؛ افشار، ایرج: *«سخنواره»*، پنجاه و پنج گفتار پژوهشی، به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری با همکاری هانس روبرت رومیر، طوس، تهران، ۱۳۷۶.

۵. ر. ک. الدسوقی، عبدالعزیز: *جماعة أبولو و أثرها فی الشعر الحدیث*، الهیئة المصریة العامة للکتاب، مصر، ۱۹۷۲، ۳۶۵.

۶. درباره جمعیت دیوان ر. ک. المعموش، سالم: *الادب العربی الحدیث*، دارالمواسم، بیروت، ۱۹۹۹، ۵۶۷-۵۷۴.

۷. در ربیع‌الاول ۱۳۳۴ دی ماه ۱۳۹۴ انجمن ادبی کوچکی از جوانان ادیب و خوش طبع به نام جرگه ادبی یا جرگه دانشوری در تهران تشکیل شد. این انجمن در صدد «ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام به آثار فصحای متقدم و ضرورت اقتباس محاسن نثر اروپایی بود.» *تاریخ ادبیات معاصر*، رشید یاسمی، تهران، ۱۳۱۶، ص۱۱۹ و *از صبا تا نیما*، یحیی آرین‌پور، تهران، زوار، ۱۳۷۲، جلد دوم،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

۴۵۲-۴۳۶.

۸. احمد زکی ابوشادی، سال ۱۸۹۲ در قاهره متولد شد، در لندن، در رشته بیماری‌های داخلی و عروقی تخصص گرفت. پس از ده سال اقامت در آنجا به قاهره بازگشت و عهده‌دار سمت‌های متعددی شد، آخرین سمت وی ریاست دانشکده پزشکی دانشگاه اسکندریه در سال ۱۹۳۰ بود، در سال ۱۹۴۶ رهسپار نیویورک شد و در ۱۲ نیسان ۱۹۵۵ همانجا دیار فانی را وداع گفت.

۹. در سده نوزدهم دو اصطلاح آپولویی و دیونوسی در نقد ادبی مصطلح شد. به آثار ادبی احساسی و رؤیایی و فردگرا ادبیات آپولویی و به آثار ادبی عقلانی و جمعی ادبیات دیونوسی اطلاق می‌شد. در این زمینه ر. ک. مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی*. فکر روز. تهران: صص، ۱۵-۲۰.

Cuddon, J. A. *A Dictionary of Literary terms*, New York, 1984. PP. 51-52.

منابع

ابو تمام. (۲۰۰۰). *دیوان ضبطه و شرحه ایمان البقاعی*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

ابوالشباب، واصف. (۱۹۸۸). *القدیم و الجدید فی‌الشعرالعربی الحدیث*. بیروت: دارالنهضة العربیه.

ادونیس. (۱۹۸٦). *الثابت و المتحول*. بیروت: دارالفکر.

افشار، ایرج. (۱۳۷۶). *سخنواره*. پنجاه و پنج گفتار پژوهشی. به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری با همکاری هانس روبرت رومیر. تهران: طوس.

خانلری، پرویز. (۱۳۶۷). *هفتاد سخن*. تهران: توس.

خفاجی، محمدعبدالمنعم. [دون سنه طبع]. *دراسات فی‌الادب العربی الحدیث و مدارسه*. القاهره: التیارات و المذاهب الکبری. مکتبة الازهر.

الدسوقی، عبدالعزیز. (۱۹۷۲). *جماعة أبولو و أثرها فی الشعر الحدیث*. مصر: الهیئة المصریة العامة للکتاب.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]

«دنیای سخن». (۱۳۶۹). شماره‌های ۳۵ و ۳۶. مهر و آبان.
رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). *خانلری*. تهران: طرح نو.
روانبخش، فاطمه. (۱۳۸۲). «نقش مجله سخن در ادبیات معاصر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زبان و ادبیات فارسی به راهنمایی حبیب‌الله عباسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.
زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷٦). *حکایت همچنان باقی*. تهران: سخن.
سخن. (۱۳۶۳). دوره اول از دی ۱۳۲۲ تا مهر ۱۳۲۲. تهران: علمی. چ دوم.
شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). *شعر معاصر عرب*. تهران: سخن.
شمس لنگرودی، محمدتقی جواهری گیلانی. (۱۳۷۷). *تاریخ تحلیلی شعر نو*. ج ۱. تهران: مرکز.
عباس، احسان. (۲۰۰۱). *الاتجاهات الشعر العربی المعاصر*. عمان: دارالشروق.
عبود شراد، شلتاغ. (۱۹۹۸). *تطور العشر العربی الحدیث*. دارمجدلاوی للنشر.
فرشیدورد، خسرو. (۱۳٦۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
قافله‌سالار سخن. (۱۳۷۰). مجموعهٔ مقالات درباره خانلری. تهران: البرز.
الکتانی، محمد. (۱۹۸۲). *الصراع بین القدیم و الجدید فی الأدب العربی الحدیث*، دارالثقافه. دارالبیضاء.
مجله أبولو. (۱۹۳۲). عدد ابریل. القاهره.
مروستی، شهلا. (۱۳٥٤). *فهرست مجله سخن*. جلد اول از دوره اول تا هشتم. ۱۳۳۶-۱۳۲۲. فرهنگ ایران: بنیاد.
المعموش، سالم. (۱۹۹۹). *الادب العربی الحدیث*. بیروت: دارالمواسم.
مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی*. تهران: فکر روز.
یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۱). چشمه *روشن. دیداری با شاعران*. تهران: علمی.
Cuddon, J. A (1984). *A Dictionary of Literary terms*, NewYork.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.55.15.5]